



۲۰۲۰/۰۷/۰۶



حامد نوید / تاریخ، بخش: آبدات تاریخی

آتشکده ظفر کانیشکا (اونیندو) یا معبد سرخ کوتل

آتشکده اونیندو یا معبد سرخ کوتل یکی از پراهمیت ترین بنا های میبانشد که در عهد کوشان شاهان اعمار گردیده است. این معبد باستانی در ولایت بغلان در ۱۸ کیلومتری شمال شهر پلخمری قرار داشته و به اساس معلومات مندرج در کتیبه معتبر سرخ کوتل که یکی از مهمترین اسناد تاریخی از نگاه زبانشناسی و ریشه یابی زبان دری باختربست در ماه نیسان سال سی و یکم پادشاهی کانیشکای کبیر چاهی در آن حفر گردیده است. اونیندو Oanindo الهه ظفر در فرهنگ کوشانی بود که در پشت سکه های هاویشکا به کثرت دیده میشود.

معبد عظیم سرخ کوتل در سمت شرقی تپه مرتفعی که ارتفاع آن بالغ بر ۴۷۰ متر میگردد به شکل مصطبه (مرتبه دارد) در پنج طبقه در قلب تپه مرتفعی ساخته شده؛ عرض مرتبه ها ۴۶۵ متر محاسبه گردیده است. درین معبد بزرگ سه قطار پلگان در فاصله های منظمی به چشم میخورد که ۱۸۰۰ سال پیش عابدان را به مرتبه های مختلف این آتشکده شکوهمند رهنمون میگشته است. طرح مرتبه دار معبد سرخ کوتل بیننده را تا اندازه بیاد اهرام مصطبه ئی مصر قدیم می اندازد. در مصر باستان اهرام نخستین به شکل مرتبه دار ایجاد میشد و این نوع اهرام بنام مصطبه یاد میگردد، اما معبد سرخ کوتل بسیار بزرگتر از اهرام مصر است زیرا ارتفاع بزرگترین هرم غزه بیش به ۱۴۷ متر و ابعاد قاعده آن به ۲۳۰ متر میرسد. این موضوع به منظور دانستن ابعاد عظیم معبد سرخ کوتل یاد شد؛ ورنه از نگاه اهداف ساختمانی و عصرهای متفاوتیکه این پدیده های بزرگ تاریخی ایجاد گردیده اند باهم قابل مقایسه نیستند.

تحقیقات در مورد معبد عظیم سرخ کوتل در سال ۱۹۵۲ توسط (هیأت باستان شناسان فرانسه در افغانستان) DAFA آغاز و تا سال ۱۹۶۶ دوام نمود. پروفیسور دانیل شلوم برژه دانشمند معروف فرانسوی پیشبرد این تحقیقات بزرگ را به عهده داشت. سرخ کوتل عبادتگاه بزرگتست که مارا به زوایای بسیار مهم و فرهنگ و تمدن قرن دوم میلادی آریانا و سرزمین های همجواری آن آشنایی بیشتر میبخشد.

بر فراز تپه سا ختمان آتشکده با ابعاد ۳۵ متر در ۳۵ متر جلب نظر میکند که درگاه اصلی آن در روزگاران پیشین بسوی شرق باز میگردد است. در میان آتشکده سکوی سنگی مربع شکلی درست در قسمت مرکزی آن قرار دارد که در ازمنه باستان آتش مقدس بقرار عقاید اوستایی بر سطح سنگفرش آن بر افروخته میگردد که بقایای خاکستر بر سنگفرش ها این حقیقت را تأیید میکند. بنا بر یافته های باستانشناسان زمین معبد با سنگفرش زیبای پوشیده بوده و زینه کوچکی سطح سنگفرش شده عبادتگاه را به سکوی مقدس وصل میکرده است. در چهار گوشه سکوی سنگی بقایای چهار ستون پایه قطور بچشم میخورد که این ستونپایه های عظیم تکیه گاه سقف این بنا مرتفع بوده است.

طوریکه پیشتر گفته شد روی عبادتگاه سرخ کوتل بسوی شرق باز میگردد تا طلوع آفتاب صبح از برنده بیرونی آن دیده شود. شاید این طرح به پاس احترام به عقاید آئین میتراییزم (آفتاب پرستی) که هنوز در فرهنگ زردشتیان باختر مورد ارج گزاری بوده ایجاد گردیده باشد. از ابعاد وسیع این بنا شکوهمند هویداست که مراجعین بشمارای ازدور و نزدیک به معبد سرخ کوتل می آمده اند. به استناد یافته های باستان شناسان در هر طبقه معبد اتاقهای راهپیش و عبادت برای عابدان و کسانیکه بمنظور نیایش به این معبد بزرگ می آمده اند وجود داشته است. هنوز بقایای ستونپایه های مرمرین با اعظمتیکه به دو طرف برنده و بزرگ سرخ کوتل و چشم انداز وسیع در طبقه بالایی معبد به چشم میخورد.

کشف مجسمه سرپای کانیشکا تراش یافته از سنگ، با آنکه قسمت بالایی آن از بین رفته است سندی مهمی بود برای اثبات این قول که معبد نوشاد در عهد زاماداری کانیشکای اول اعمار گردیده است، زیرا از روی سکه های این شاه بزرگ طرز لباس پوشیدن و بخصوص سبک و ساختمان موزه هایش مشخص است. از سرخ کوتل پیکره دیگری نیز کشف گردیده که لباس مشابهی به تن و شمشیری به کمر اوخته دارد. سر این مجسمه نیز بریده شده، ازینرو تعیین هویت آن خالی از اشکال نیست. گمان میرود که این هیکل بزرگ تراش یافته از سنگ متعلق به یکی از بازماندگان کانیشکای اول و یا خود این شاهنشاه مقتدر باشد، اما آنچه از نگاه تاریخ هنر در رابطه به این آثار هنری از اهمیت زیادی برخوردار میباشد شیوه خاص تراش سنگ است که از نگاه برش سنگ و تخنیک تیشه کاری از سبک ظریف هیکل تراشی گریکو رومن تفاوت کلی دارد، اما تناسب معیاری سبک هلنی در آن تجلی نسبی دارد. این سبک هیکل تراشی در مجسمه های سه بعدی و نیمبرجسته معابد بودایی، بخصوص در معبد پای تاوه کاپیسا تکرار گردیده که گسترش شیوه مشابه و مشخص صنعت هیکل تراشی را از شمال تا جنوب کهساران مرتفع هندوکش بازگو مینماید. مهمترین سند تاریخی ایکه از بنای باستانی آتشکده نوشاد بدست آمده و از نگاه زبانشناسی اهمیت فراوانی دارد کتیبه مشهور سرخ کوتل است که از محوطه بر افروختن آتش مقدس در دهه ۱۹۵۰ کشف گردید. این کتیبه سنگی که با رسم الخط کلاسیک یونانی بزبان «آریو» آری باختری، مادر زبان دری امروزی افغانستان نگاشته شده، درچه های نوینی را در راه شناخت زبانهای آریایی شرقی باز کرد.

از آغاز کشف کتیبه سرخ کوتل توسط پروفیسور شلوم برژه، تا کنون تحقیقات پیهم و دنباله داری از نگاه زبانشناسی Linguistics در مورد این سنگ نبشته تاریخی انجام گرفته که درین رابطه میتوان از زبانشناسانی چون هنینگ Henning عضو تحقیقاتی زبانهای آسیایی و افریقایی یونیورسیتی لندن، پروفیسور لوبیر Le Berre فرانسوی، فیوزمن Fussman، ویلیم وگلستگ Willem Vogelsang یونیورسیتی آکسفورد انگلستان مطالعات دامنه داری را بالای این کتیبه انجام داده اند یاد کرد. همچنان نتیجه گیری علمی پروفیسور نیکولاس سیمز ویلیام در مورد زبان باختری دهاری (دری افغانستان) به اساس یافته های جدید (کتیبه

رباطک سال ۱۹۹۵ و بررسی اسناد کتبی سمنگان سال ۲۰۰۴) که روشنی بیشتری در مورد افکنده از اهمیت فراوانی برخوردار است. به اساس یافته های پروفیسور سیمز ویلیام زبان باختری تفاوت های بارزی با زبان های پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی مروج در پارس دارد که در بخش شرح کتیبه رباطک، یافت شده از معبد نانه ولایت بغلان توضیح بیشتر خواهد یافت. پوهاند حبیبی مؤرخ مشهور افغانستان در مورد این کتیبه باستانی تحقیقات مبسوطی انجام داده که از نگاه ریشه یابی کلمات، دستور زبان و ارتباط آن با زبان دری مروج در افغانستان و ریشه یابی کلمات مشترک در زبانهای دری و پشتو دارای اهمیت فراوانیست. این رساله علمی در سال ۱۹۶۷ زیر عنوان «زبان ۲۰۰۰ ساله افغانستان مادر زبان دری» از طرف انجمن تاریخ به نشر رسید و به انگلیسی ترجمه شد. به هر حال گذشته از بحث های زبانشناسی که شرح مفصل آن در اینجا نمیگنجد، بهتر است ببینیم که کتیبه سرخ کوتل چه مطلبی را بیان داشته و چه حقایق تاریخی را ابراز میدارد.

از قرار معلوم بر فراز معبد به امرکانیشکا نهر آبی حفر گردیده بوده که از چشمه ای آب میخورد و آتشکده نوشاد را سیراب مینمود. مردمان محل این چشمه را بنام «چشمه شیر» و همچنان «سرچشمه» یاد میکنند، اما از سنگ نوشته معرف سرخ کوتل چنین بر می آید که این چشمه پس از چندگاهی خشک گردیده و از نیروکانیشکا امر به حفر چاهی داده تا آتشکده بدون آب نماند. باستان شناسان دریای تپه چاهی را کشف نمودند که دیوارهای آن با دقت خاصی سنگ کاری شده و مطابق به مشخصاتی بود که در کتیبه معروف سرخ کوتل آمده است. بر علاوه از داخل چاه ۵۲ پارچه سنگی بدست آمد که در دیوارهای چاه جایجا گردیده و مطالبی بر رسم الخط یونانی بر آن حک گردیده بود. زمانیکه محققین این پارچه های سنگ را در کنار هم گذاشتند عین مطلبی ذکر یافته در کتیبه اول درین کتیبه نیز خوانده میشود. چون این سنگ بنشته برای مدت های درازی در زیر آب قرار داشته مانند کتیبه اول خوانا نیست، اما عین مطلب را بدون کم و کاست ابراز میدارد. اینکه چرا این مطلب بصورت پراکنده در سنگ کاری دیوارهای چاه عمیقی با دقت بافت گردیده از زمره اسرار تاریخ است. در حالیکه انگیزه اصلی این عمل را نمیدانیم ولی صائب ترین حدس برین است که شاید معماران معبد به این فکر بوده اند تا در صورت از بین رفتن احتمالی کتیبه اولی رونوشتی از آن در داخل چاه وجود داشته باشد.

کتیبه سرخ کوتل در ۱۵ سطر و ۱۲۴ کلمه گذشته های تاریخی معبد را تشریح میدارد که خلاصه آن چنین است:

" جهاندار توانا شاه شاهان کنییشکو 'Kaneško' (کانیشکا) در سال ... با افسران خود در اینجا آمد و این نیایشگاه و دژ آن به دستور او آباد شد. کار این دژ و پلکان آن در چهار سال به پایان رسید. این نیایشگاه تحفه ایست از جانب کونیشکو برای اویندو (الهه ظفر) که در روبروی نیایشگاه نگاشته شد؛ همچنان نهری مقدسی به امر او ساخته شد که از آب خدایان سرچشمه میگرفت، ولی پس از چندگاهی وقتی خدایان خواستند از اینجا رو برگردانند آب نهر خشکید. سپس زمانی که Nokonzoko نیکونزوکو معتمد و خادم وفادار شاه، در ماه نپسان سال ۳۱ پادشاهی کونیشکو (کانیشکا) پسر آفتاب، مالک مهربان و پاک نهاد به اینجا آمد چاهی ساخت سنگ کاری شده تا آب پاک دوباره عبادتگاه را سیراب کند و خدایان بار دیگر به اینجا برگردند. "

در کتیبه سرخ کوتل این معبد بنام Kanēško oanindo bagolango کنیشو اویندو بگولنگو یعنی معبد پیروزی کنیشکا در بغلان آمده است. بر علاوه نام نیکوزوکو والی (بغلان) سیرگومانو Xirgomano دستیار وی و مهرمانو Mihramano طراح و معمار چاه و همچنان نام Eiiomano ایومانو و مهرمانو فرزند بزومهرو Bozomihro نویسنده این کتیبه آمده است، که همه از مردمان سرزمین آریانا بوده و نامهای شان به اسمای چینی، هندی، یونانی و رومن شباهتی ندارد. بگولنگو را برخی از زبانشناسان به معنی تصویر بدیع ترجمه کرده اند. اینکه چگونه کلماتی مانند اوبو به آب، اوتو به آتش، وادو به باد، کنیشکو به کنیشکا، بگولنگو به بغلان، مهرمانو به مهران و بزومهرو به بزرگ مهر از زبان دهاری (دری باختری) به دری میانه تبدیل شده بحسبیت مربوط به علم اتومالوجی Etymology یا دانش ریشه یابی واژه ها و تغیر خوردن تلفظ و املاهای آن در طول زمانه ها که مورد بررسی زبانشناسان قرار میگردد، اما از نگاه مطالعات تاریخ فرهنگ و تمدن افغانستان کشف کتیبه رباطک از معبد نانه ویا به تلفظی «ننه» واقع در مرز ولایات بغلان و سمنگان از اهمیت بزرگی برخوردار است که باید نظر گذرای به آن نمود.

معبد نانه یا «ننه» و کتیبه رباطک

شاید باستان شناسانی که از بغلان به شهر مزار شریف از طریق سمنگان در حال تردد بوده اند توجه زیادی به تپه بلند خاکی کنار جاده نکرده و متوجه نگردیده بودند که خاک توده بزرگ کوتل رباطک معبد بزرگ نانه در عهد پادشاهی کنیشکا بوده و کتیبه مهمی در قلب آن جا داشته است. گرچه قبلاً کوتل رباطک منحیت یکی از مناطق مطالعات باستان شناسی نشانی گردیده بود ولی در سال ۱۹۹۳ هنگامیکه جنگهای تنظیمی در افغانستان اوج گرفت، قبل از آنکه دست باستان شناسان به آن برسد این نیایشگاه باستانی توسط قاچاقبران آثار تاریخی به کمک قوماندانان محلی به شکل ناشیانه و با استفاده از تراکتور مورد تاراج قرار گرفت. در جریان این حفریات غیر قانونی و غیر فنی تعدادی پیکره های باستانی از خاک بدرآمد و برخی شکست، اما درین میان سنگ نوشته بدست آمد که مورد توجه یکی از کارکنان انگلیسی الاصل بنیاد ماین پاکي هالوترست Halo Trust demining organization قرار گرفت. وی ویدیو و عکس های ازین کتیبه برداشت و به موزیم برتانیای در لندن فرستاد. نخستین کسیکه از روی عکس ها قدامت تاریخی این کتیبه را با شناختن نام کنیشکا تعیین کرد سکه شناسی بنام جوکریب Joe Cribb بود. مطالعات ژرفتر در مورد کتیبه رباطک توسط پروفیسور ویلیام سیمز صورت گرفت که تا سال ۱۹۹۵ به پایه تکمیل رسید. کتیبه رباطک اکنون در موزیم کابل قرار دارد و منحیت یکی از معتبرترین اسناد تاریخی، بخصوص در بخش زبان شناسی شناخته میشود و از زمره سرمایه های گرانبهای ملی افغانستان بشمار میرود.

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له لیرولو مخکي په خیر و لولی

نخستین کسیکه سنگ نبشته رباطک را از زبان آری کهن به انگلیسی برگرداند، نیکولاس ویلیام سیمز استاد زبانشناسی یونیورسیتی لندن بود. همچنان جی مکرگی پروفیسور زبانشناسی یونیورسیتی کلکته آنرا به انگلیسی ترجمه کرد که هردو ترجمه عین مطلب را بیان میدارد. کتیبه رباطک سند گویاییست که در ۲۳ سطر به زبان (آریا) *Ṛya* (آریا) نظر به مندرجات کتیبه با الفبای یونانی نگاشته شده، برخی از مترجمین این کلمه را آرین وعده آنرا آری نگاشته اند.

ترجمه نکات عمده کتیبه رباطک از انگلیسی به دری

سطر یکم تا سوم: فرمانروای بزرگ برحق، دادگر، یزدان پناه، و درخور ستایش که نسبش به ایزدان ونانه (الهه پیروزی) میرسد سال اول پادشاهی اش را چنانچه خدایان خواسته اند، بنام سال اول آریا (آرین) اعلام میدارد.

سطر سوم تا چهارم: واوست کسی که لغو زبان آیونی (یونانی) را امر فرموده و گسترش زبان آریا (آرین) را فرمان میدهد.

سطر چارم تا هفتم مربوط به قلمرو امپراتوری کوشانی و دیار تحت فرمان کانیسکا در سرزمین هند است که در آن اسم شهر های آتی آمده است: کوندینو *Kaundinya* شهری تحت نام کانیسکا کنار دریای وردا در نزدیکی عادل آباد و حیدرآباد، سکااتا *Saketa*، شهر مقدس و جایگاه سرایش سروده های اساطیری که شهراما ایزد هندی بوده و در سانسکریت نیز بنام سکااتا آمده است. کوزمبو یا کوشمبی *Kausambi* شهری در ایالت اوترا پردیش هند، «پتالی پتورا» *Pataliputra* یا پتنه امروزی در جوار دریای گنگا، (اوزینو *Ozeno*) (یعنی شهریوجین *Ujjain* که از نگاه پیشرفت علم نجوم و ستاره شماری در جهان کهن از اهمیت فراوانی برخوردار بود و زیری تمبو ناحیه *Janjgir-Champa* امروزی در نواحی شرقی هند در کتیبه رباطک آمده است.

سطر هفتم تا نهم: درین سطور کانیسکا فرمان اعمار معبد نانه را به شپا را *Shapara*، یا *Shaphar* شاه فرمتصدی شهر میدهد و به او امر میکند تا آب روان رابه پیشواز خدایانی مانند فره (فرعون)، زیری (زیوس) و امه (مادر) از کایپا *Kaeypa* جاری سازد.

از سطر نهم تا به تابه سطر یازدهم: اسمای ایزدان زیادی ذکر گردیده که مهمترین آنها اهورا مزدا، سروشارده (سروش)، میرو یعنی میترا میباشد.

از سطر یازدهم تا چاردهم: اجداد کانیسکا، گوجالا کدفیزیس، سدیشکانا *Saddashkana* پدرکلانش و پدرش ویما کدفیزیس با قدر دانی یاد گردیده و نظر به فرمان کانیسکا تاکید به عمل آمده تا پیکره های آنها و وبهمانگونه پیکره خودش نیز در معبد نانه برافراشته گردد. همچنان شراب مقدس سوما (به اساس ترجمه جی مکرگی) در معبد نذر شود.

سطر پانزدهم تا بیستم: فرامین کانیسکارا به معتمدانش شپارا، نکونزوکو یا نکونزاکا بازگو میدارد، تا مراسم نیایش و عبادات را برپا سازند و برای صحت، کامیابی و پیروزی فرمانروای بزرگ فرزند خدایان که به حکم ایزدان هند را فتح نموده دعا کنند، درین سطور همچنان از دوست گرامی امپراتور ابیمو *Abimo* یاد گردیده تا پایتخت را به بو پیشو *Pophisho* واگذار کند.

سطر بیستم تا بیست و سوم فرمان کانیسکا باز هم آغاز سلطنت و فرمانروایی اش را بنا بخواست خدایان بنام «سال اول آریا» اعلام نموده و بر اعمار معبد ننه تاکید کرده است.

بزرگ فرزند خدایان که به حکم ایزدان هند را فتح نموده دعا کنند، درین سطور همچنان از دوست گرامی امپراتور ابیمو *Abimo* یاد گردیده تا پایتخت را به بو پیشو *Pophisho* واگذار کند.

سطر بیست و سوم فرمان کانیسکا باز هم آغاز سلطنت و فرمانروایی اش را بنا بخواست خدایان بنام «سال اول آریا» اعلام نموده و بر اعمار معبد نانه تاکید کرده است.

یادداشت:

گذشته از اینکه اطرافیان شاهان پار و کاتبان دربار مقام فرمانروایان را از روی خوش آمد گویی جنبه تقدس میدانند، درین کتیبه نکات مهمی وجود دارد که در خور توجه و دقت میباشد.

اول: بنا بر محتویات این سنگ نبشته پی میبریم که معبد نانه قبل از آتشکده سرخ کوتل اعمار گردیده و، ازینرو کتیبه رباطک قبل از سنگ نوشته سرخ کوتل نگاشته شده است.

دوم: از روحیه عمومی این کتیبه معلوم میگردد که کانیسکا بزبان «آری» و سرزمین آریانا علاقتمندی مفرطی داشته و بدان افتخار مینموده است.

سوم: از مطالعه این سنگ نوشته هویداست که فتح هند برای کانیسکا از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و ویران مباحثات میکرده است. در جهان کهن رسم بدین بود که شاهان فاتح نامهای دیارت تحت فرمان شانرا در کتیبه های مینگاشتند، همانطوریکه کوروش هخامنشی و داریوش نیز برسم شاهان بین النهرین چنین کتیبه های را نگاشتند. بدیهیست که این فهرست وسعت امپراتوری کوشانی را در سرزمین هند بازگو میکند، اما هیچگاه این امتیاز را برای یک تاریخ نگار افغان نمیدهد که با ولع توسعه طلبی و حس برتری خواهی تمام مظاهر هنری و افتخارات تمدن غنی سرزمین هند را به استناد این کتیبه از آن افغانستان بشمارد و یا هند را بخشی از قلمرو آریانا قلمداد کند چنانچه برخی از نویسندگان کشور های همجوار بنا بر پرورش نادرست علمی به حواله چنین اسنادی تمام مظاهر هنری و ادبی سرزمینهای همجوار شانرا از آن خویش میشمارند.

چارم: هردو مترجم کتیبه رباطک پروفیسور ویلیام سیمز و پروفیسور جی مکرگی استاد پوهنتون کلکته در مورد اینکه کایپا *Kaeypa* کجا بوده توضیحی در ترجمه های خود نداده اند، ولی از نگاه اسناد تاریخی و جغرافیای منطقه میتوان حدس زد که به

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

گمان اغلب مراد از کابلیا کاپیسا باشد. ، زیرا از هنگام زمامداری کوشانی ها تا عصر هندوشاهی کابل ، ایالت کاپیسا یکی از وسیعترین ایلات آریانا شمرده میشد و تا نزدیکی های سمنگان را دربرمیگرفت.

پنجم: از مندرجات کتیبه رباطک برمی آید که درین عصر خدایان زیادی مورد پرستش بوده اند . نکته جالب دیگر درین کتیبه کلمه امه **Omma** به معنی مادر (ام در عربی) و ذکر نام فرعون به تلفظ **Farrah** فرره میباشد که در متون ویدی و اوستایی و حتی یونان باختری کمتر به نظر میخورد .

شاید دلیل مروج گشتن آن از دیدار روابط تجارتي با مدنیتهای سامی و قبطی در عصر کوشانیها باشد ، زیرا از معبد سرخ کوتل یکتعداد زیورات مصری بدست آمده که این فرضیه را ثابت میسازد.

همچنان نقاشی های ایکه یک مرد کوشانی را در حال ملاقات با فرعون ، شیوا و زیوس نشان میدهد شاهد این مدعاست. نقاشی های فریسکو ی باختری که بارنگهای محول درآب بالای کچ کار شده فانتزی یک مرد کوشانی را نشان میدهد که با فرعون و ایزدان مقتدر آن زمان در هند و یونان در حال دیدار و گفتگو میباشد. شاید میخواد تا در مورد عقاید مذهبی جهانی که در آن زندگی مینموده مطالبی را بیاموزد و یا شاید به دیگران انتقال دهد. از آنجاییکه درباره انگیزه اصلی ایجاد این صحنه های دلچسپ نقاشی سندی در دست نیست میتوان حدیثات گوناگونی در مورد داشت، اما حقیقت روشن اینست که جامعه آنوقت آریانا بخصوص در عصر کوشانی ها جامعه پویا ی بوده و این تکاپو و پویایی باعث آن گردیده تا در نتیجه آمیزش انسانها شیوه های هنری نابی باوسعت نظری بیشتر و دیدگاه فراختر درین عصر شگوفا گردد. ازینرو آثار هنری بودایی ای که در افغانستان در دوره کوشانیها بوجود آمده بخاطر آمیزش با فرهنگ هلنی باختر و کاپیسا و به علت تداوم عقاید ویدی میترائیزم و اوستایی در جامعه آریانا از آثار هنری بودایی هند تفاوتهای کلی دارد.

از جانب دیگر ، شاهان کوشانی با آنکه به عقاید و باورهای گوناگون مردمان قلمرو شان احترام میگذاشتند ایزدانی را نیز پرستش میکردند که مربوط به عنعنات، باورها و عقاید خاص خودشان بود. در میان ارباب انواع کوشانی ها ، وادو یا ایزد باد که بشکل مرد ریشداری تبارز می یافت و در پیشا پیش عساکر در هنگام نبرد میدوید اهمیت فراوانی داشت. همچنان نانه الهه پیروزی و برکت از مره ارباب انواع محبوب در نزد کوشانیان بشمار میرفت. بر علاوه نانه منحصی الهه مادر نیز قدر و منزلتی داشت و قبایل کوشانی او را بصفت موجودیکه زمین را برکت و فزونی میبخشد مورد تمجید و ستایش قرار میدادند. تصاویر و مجسمه های الهه نانه همواره به شکل یک زن جوان ایجاد میگردد و با تمثال شیری همراه میبود ، درست شبیه به تصاویر و پیکره های سیبل **Cybele** یا مادر کابلیا **Mother Kubeleya** اینکه آبا هنرمندان عصر اقتدار کوشانی ها در ایجاد پیکره های نانه از مجسمه های مادر کابلیا الهام گرفته اند پانه مسأله ایست که ما نمیدانیم ، اما با مراجعه به فرهنگ مردم افغانستان تفاسیری وجود دارد که درین رابطه چنین تقدیم میگردد:

میرهن است که در داستانهای فلکوریک مردم سرزمین ما عقاب مظهر شکوه و رسیدن به مقام شاهی و شیرنمادی از شجاعت و دلیریست. به گمان اغلب الهه مادر درین رابطه فرزندان چون شیر میپروراند که باوجود دلیری و نیرومندی در برابر مادر سر تسلیم فرو می آورده و وبه اصطلاح مردم خود را به خاک پایش برابر میدانسته است ، ازینرو پیکره های شیر همواره در زیر پای الهه مادر ایجاد میگردد. البته در تمام فرهنگهای کهن الهه مادر جایگاه ارجمندی داشته و پیکره های آن از عصر سنگ تا سده های ما بعدی به اشکال و سبکهای متفاوت در فرهنگ مدنیتهای باستانی از مصر و یونان تا سرزمین آریانا ، چین و هند به مشاهده میرسد. زیرا مادر در ثقافت های کهن انسانی منحصی مظهر رفاه، شادابیت زمین و تولید مثل مورد احترام بوده و گهگاهی با مفاهیم پیروزی و برکت ارتباط می یافته و این ارتباط را در عصر کوشانی با نماد شیری تمثیل میگردد اند.

در سال ۱۹۹۳ هنگامیکه کوتل رباطک مورد دستبرد قرار گرفت، به اساس گزارش شاهدان عینی مجسمه پای شیر بزرگی همراه با چندین مجسمه در آنجا وجود داشت ، اما در ظرف چند روز آثار تاریخی کوتل رباطک با سرعت به یغما رفت. تنها کتیبه سنگی آن معبد ویران شده که خوشبختانه یغماگران ارزش آنرا نمیدانستند اکنون در موزیم ملی افغانستان وجود دارد و منحصی مهمترین سند دست اول تاریخی در ساحه زبان شناسی و شناخت عینی وقایع آندوره شناخته میشود.

از یافته های باستان شناسان در افغانستان پیاداست که پیکره های نانه با سبک های متعدد هنری از دوره کوشانی ها تا هنگام زمامداری یفتلی ها و کابل شاهان ایجاد میگردد و در نزد مردم گرامی بوده است. بطور مثال پیکره نانه یا الهه پیروزی که از گل پخته ساخته شده و اکنون در موزیم هنری متروپالیتن **Metropolitan Museum of Art** واقع در نیویارک قرار دارد یکی از نمونه های این مجسمه هاست. این مجسمه در حدود ۲۵ سانتی متر ارتفاع و ۱۹ سانتی متر عرض دارد به و اساس اسناد ثبت شده در موزیم در سال ۱۹۸۶ به موزیم متروپولیتن انتقال یافته است. به گمان اغلب این پیکره نانه در اواخر قرن پنجم و آغاز قرن ششم میلادی در عصر شاهان یفتلی در افغانستان ساخته شده و باشاخه برگی که یکی از نماد های سرسبزی و شادابیت او بود مزین میباشد. طوریکه در تصویر دیده میشود شیری در زیر پای نانه سر بر زمین نهاده، تا تسلیم بودن خود را در مقابل اعظمت و شکوه این الهه ظفر مند و مادر مقدس ابراز نماید. بیهیست که این پیکره از رباطک بدست نیامده زیرا معبد نانه در اواخر قرن دوم در رباطک اعمار گردیده و این مجسمه مربوط به سده های ما بعد است. باستانشناسان به اساس اندازه بزرگ پای شیر رباطک، گمان میبرند که پیکره نانه در ولایت بغلان بسیار جسیم بوده که ناشیانه ویران گردیده است.

:References

د پانو شمیره: له ۴ تر ه

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

M. Le Berre, and G. Fussman, Surkh Kotal en Bactriane I. Les temples
۱۹۸۳, Paris, ۲۰MDAFA

): "Notes and Communications. 'Surkh Kotal' Bulletin of the School of Oriental and ۱۹۵۶Henning (۳۶۷-۳۶۶), pp. ۱۹۵۶(۲, No. ۱۸African Studies, University of London, Vol.
. Blackwell Publishers Oxford ۱۵۰-۱۴۸. The Afghans, pp. ۲۰۰۲Vogelsang, Willem.

۱۹۹۵The Indian Museum Bulletin, of Calcutta by Professor Mukherjee, University of Calcutta in
"titled as "The Great Kushana Testament

مطالعه تحقیق مرحوم پوهاند حبیبی در مورد کتیبه سرخ کوتل بزبان انگلیسی تحت عنوان
The Two Thousand Years Old Language of Afghanistan, برای دانستن کامل متن توصیه میگرد.

تحقیقات اخیر پروفیسور سیمز ویلیام استاد زبان شناسی یونیورسیتی لندن

. ۴۱-۴۰, pp. ۱۹۷۲L. W. Adamec, Gazetteer of Afghanistan I, Graz,

), (Recent discoveries in the Bactrian language and their historical ۲۰۰۴Sims-Williams, Nicholas (significance)



د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ